

## اسطوره «وحشی شریف» در ادب و اندیشه اروپا به ویژه در آثار لوکلزیو

الهام سجادی

مدرس زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه آزاد اسلامی - واحد قم

### چکیده

از آنجایی که اسطوره در ادبیات اروپا پیشینه‌ای طولانی دارد و بخش مهمی از این ادبیات را تشکیل می‌دهد، می‌توان با شناخت هرچه دقیق‌تر آن به اثرگذاری‌اش بر ضمیر انسان‌ها پی‌برد. اسطوره «وحشی شریف»<sup>(1)</sup> نیز، که با کشف قاره آمریکا در قرن شانزدهم به وجود آمد، همواره برای به چالش کشیدن دنیای غرب و جامعه به ظاهر متمدن اروپایی حضوری پرنرنگ داشته است. از دیرباز بسیاری از اندیشمندان بزرگ فرانسه در این باره قلم‌فرسایی کردند تا این که در عصر حاضر ژان ماری گوستاو لوکلزیو، نویسنده معاصر فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبی سال 2008، این اسطوره را به روشنی در آثار خویش نمایان ساخت. لوکلزیو که در سال‌های 1970 تا 1974 از نزدیک با سرخپوستان و در میان قبایل آنها در پاناما زندگی کرده، با روحيات این افراد به‌خوبی آشناست، از این رو به انتقاد از زندگی کینه‌توزانه انسان‌های به اصطلاح متمدن می‌پردازد. مقاله پیش رو می‌کوشد ضمن تعریف و تحلیل پیدایش اسطوره «وحشی شریف» به بررسی نظریه‌های برخی متفکرین فرانسوی به ویژه لوکلزیو در این باره بپردازد. این جستار، گذری است بر چگونگی زندگی «وحشی شریف» و نمایه مفهوم حقیقی خوشبختی در نزد او.

**کلیدواژه‌ها:** وحشی شریف، تمدن، لوکلزیو، زندگی ساده، طبیعت‌گرایی.

تاریخ دریافت مقاله: 88/6/19

تاریخ پذیرش مقاله: 88/11/6

Email: el\_saj.fr@gmail.com

### مقدمه

برای درک مفهوم اسطوره «وحشی شریف» ابتدا باید صفت «sauvage» را توضیح داد. «sauvage» مانند «barbare»، متضاد واژه «civilisé» به معنای متمدن است. از نظر ریشه‌شناسی، «sauvage» در لاتین به کسی اطلاق می‌شود که ساکن جنگل است و در مرزی میان انسان و حیوان قرار دارد. طی قرون متوالی صفات دیگری هم چون «بربر»<sup>1</sup>، «بدوی»<sup>2</sup> و «طبیعی»<sup>3</sup> معادل فارسی صفت «sauvage» بوده است. اسطوره «وحشی شریف» در قرن شانزدهم به وجود آمد. در این دوره، پس از بازگشت گردشگران از این

۱. Barbare

۲. primitif

۳. naturel

قاره ناشناخته و روایت زندگی ساکنین بومی آن، اروپاییان به کشف ناشناخته‌ها و راز و رمز زندگی آنان علاقه‌مند شدند و این علاقه و شیفتگی تا به آنجا پیش رفت که کاربرد اسطوره «وحشی شریف» در اروپای قرن هجدهم به اوج خود رسید.

در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم کریستف کلمب<sup>4</sup> - دریانورد ایتالیایی و کاشف قاره آمریکا - ، فردینان ماژلان<sup>5</sup> - دریانورد پرتغالی - و ژاک کارتیه<sup>6</sup> - دریانورد فرانسوی - به سوی جنوب و شمال قاره آمریکا و کانادا حرکت کردند. در سفرنامه‌های به جا مانده از این کاشفان، زندگی مردمانی با آداب و رسوم و مذاهب دیگر به رشته تحریر درآمده است.

کلمب در سفرنامه خود، در 12 نوامبر 1492، درباره ساکنان این جزیره می‌نویسد:

• مردمان مهربانی هستند که از بدی به دورند، اسلحه‌ای ندارند و درصدد قتل و آزار یکدیگر نیستند. بهشت زمینی تورات، عصر طلایی پیشینیان، نزد اینان است. (Eterstein ۱۹۹۳: ۶)

نخستین بار مونتئی<sup>7</sup> این مفهوم ناشناخته را در کتاب رسالات<sup>8</sup> خود به کار برد. پس از آن، مفهوم اسطوره «وحشی شریف» برای انتقال از جامعه متمدن غربی به کار رفت. از نظر او «انسان‌های وحشی» در عین توانمندی و سادگی، به دنیایی تعلق دارند که سرشار از زیبایی و نشاط است و از دیگر سو، طبیعت با طراوت نیز، آنان را در خود جای داده است و در مقابل انسان‌های متمدن هستند که در دنیایی مصنوعی و بی‌روح می‌زیند. (Montaigne ۱۵۸۰: ۳۱)

### «وحشی شریف»، انسانی متفاوت

این قبایل بدوی، ساده، تابع طبیعت، سخاوتمند، مبرا از فساد و ظلم، فارغ از هرگونه فشار اجتماعی و سیاسی و بی‌خبر از تکنولوژی دنیای متمدن هستند. فلاسفه و نویسندگان بر این باور بودند که این افراد می‌توانند نمادی برای زندگی انسان‌های متمدنی باشند که همواره در جنگ و ستیز و بی‌عدالتی به سر می‌برند. آزادی، برابری و برادری از خصوصیات بارز این قبایل است. این ارزش‌ها سبب ارتقای کیفیت زندگی آرام آنان می‌شود و به خاطر مؤانست و زندگی در دل طبیعت، پیری، مرگ زودهنگام و بیماری، کمتر به سراغشان می‌آید. این افراد که از سلامت و قدرت جسمانی بیشتری برخوردارند، از بدو تولد به آب و هوای متغیر و گاه بد محیط خو می‌گیرند و در نتیجه بدنی ورزیده دارند. آنها ناگزیرند برهنه و بدون سلاح و تنها با اتکا به قدرت جسمانی از جانشان دفاع کنند. جزیره و جنگل، مکانی آرمانی برای زندگی این افراد به‌شمار می‌آید. آنها نه نیازی به دانستن فرجام کارهایشان دارند و نه در پی آن هستند؛ برخلاف جوامع صاحب تمدن، در بند شرایط اقلیمی نیستند؛

<sup>۴</sup>. Christopher Columbus

<sup>۵</sup>. Ferdinand Magellan

<sup>۶</sup>. Jacques cartier

<sup>۷</sup>. Michel Eyquem de Montaigne

<sup>۸</sup>. *Les Essais*

بلکه زندگی‌شان با آهنگ دگرگونی‌های طبیعت شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، آموزش این انسان‌ها، آموزشی مبتنی بر دریافت‌هایشان از محیط اطرافشان است. این بدین معناست آنچه را که باید بدانند از طبیعت فرامی‌گیرند. و این امری کاملاً طبیعی و بدیهی است. به گفته ولتر<sup>9</sup> - فیلسوف و نویسنده فرانسوی - «همه چیز را آن‌طور که هست مشاهده می‌کنند». (Voltaire ۱۷۶۷: ۲۳)

لازم به یادآوری است که اسطوره «وحشی شریف» نمایه‌ای از رویای آزادی و برابری است که برای انتقاد از جامعه اروپایی پدید آمد. در حقیقت موضوع و مفهوم زندگی این قبایل، فقط اسطوره و به دور از واقعیت است. طبق این تعریف، اسطوره؛ داستانی نمادین و پنداری است که حقیقتی را دربرمی‌گیرد. به قول ژان کوکتو<sup>10</sup> - شاعر، نویسنده و فیلم‌ساز فرانسوی - «دروغی است که حقیقتی را بیان می‌کند!» خلاصه آنکه «وحشی شریف» نشانگر زندگی ساده و بی‌آلایشی است که در دل طبیعت جان می‌گیرد و دور از جنگ و خونریزی، پلشتی و ناهنجاری است.

#### نظریه‌های برخی اندیشمندان فرانسوی درباره اسطوره «وحشی شریف»

بسیاری از فلاسفه و نویسندگان فرانسوی درباره «وحشی شریف» نظریات گوناگونی مطرح کرده‌اند؛ مونتینی توحش انسان‌های نخستین را نسبی می‌داند و روسو<sup>11</sup> - فیلسوف و نویسنده فرانسوی - درباره حالت و وضعیت طبیعی و بکر آنها پرسش‌هایی را مطرح می‌کند. اما در مقابل این دو، ولتر از او تنها به عنوان سرگرمی یاد می‌کند. دیدرو<sup>12</sup>، به بیان آسیب‌هایی که استعمارگران بر زندگی ساده و دور از تنش این بومیان وارد کرده‌اند، می‌پردازد و با این شیوه مغایرت‌ها را افشا می‌کند. اما این شاتوبریان<sup>13</sup> است که نخستین بار، برای مشاهده زندگی بومیان آمریکا، عازم آن سرزمین می‌شود. (Eterstein ۱۹۹۳: ۶)

نگاهی دقیق به ادبیات فرانسه نشان می‌دهد که پس از کشف قاره آمریکا این موضوع با رسالات مونتینی آغاز شد. این نویسنده در سال 1562 به‌عنوان مشاور پارلمان بوردو<sup>14</sup> - شهری در جنوب غربی فرانسه - به همراه هیاتی از درباریان شارل نهم<sup>15</sup> - پادشاه فرانسه - عازم روان<sup>16</sup> - شهری در شمال فرانسه - شد و در آنجا با سه بومی برزیلی دیدار کرد. از آنجا که مونتینی مترجم خبره‌ای در اختیار نداشت، نتوانست چنان که باید و شاید با آنها به گفت‌وگو بنشیند. ولی - خوشبختانه - منابع دیگری در اختیار داشت: با دیدگاه‌های کریستف کلمب و آمریگو وسپوسی<sup>17</sup> - دریانورد ایتالیایی - آشنا بود و کمابیش نظریات لاس کس<sup>18</sup>

<sup>9</sup>. François-Marie Arouet Voltaire

<sup>۲</sup>. Jean Cocteau

<sup>۱۱</sup>. Jean-Jacques Rousseau

<sup>۴</sup>. Denis Diderot

<sup>۱۳</sup>. François René de Chateaubriand

<sup>۱۴</sup>. Bordeaux

<sup>۳</sup>. Charles IX

<sup>۴</sup>. Rouen

<sup>۱۷</sup>. Amerigo Vespucci

<sup>۶</sup>. Emmanuel Las Cases

- نویسنده فرانسوی - را مطالعه و بررسی کرده بود.

مونتنی در رسالات، زندگی افرادی را به تصویر می‌کشد که به نام «وحشی شریف» خوانده می‌شدند. او شایستگی‌های این انسان‌های پاک و بی‌گناه را برشمرد و خصوصیات اخلاقی شاخص - شجاعت، صداقت، مقاومت و مهارت - این قبایل را می‌ستود.

از این رو مونتنی زندگی سرشار از آرامش «وحشی شریف» در دل طبیعت را با زندگی بی‌رحمانه آدم‌های اسیر تمدن حکمفرما در اروپا؛ می‌سنجد که همراه با ثروت‌اندوزی، ویرانگری و استعمار است. او راز جنایت‌هایی را برملا می‌کند که در این سرزمین جدید - آمریکا - به خاطر تصاحب ثروت بومیان به وقوع می‌پیوندند که برآمده از طمع و افزون‌خواهی استعمارگران است و نتیجه‌ای جز ویرانی و تباهی با خود به همراه نیاوردند. مونتنی در این باره می‌گوید:

• چه شهرها که ویران شدند و چه ملت‌هایی که قتل‌عام گشتند و بسیار افرادی که از دم تیغ، بی‌دریغ گذشتند. وه، چه دنیای آشفته‌ای به قصد تجارت مروارید و فلغل پدید آمده است! (Montaigne ۱۵۸۰:۶)

در قرن هفدهم لائتان<sup>19</sup> - سیاح و نویسنده فرانسوی - برای مشاهده زندگی بومیان سفرهای بسیاری کرد. در 17 سالگی عازم قاره آمریکا و از نزدیک با بومیان آمریکای شمالی آشنا شد و برای مدتی نیز با آنها زندگی کرد. هنگام بازگشت، افزون بر سفرنامه‌اش، اثری به نام *گفت‌و شنودهای جالب میان نویسنده و یک وحشی عاقل*<sup>20</sup> منتشر کرد. این اثر، گفت‌وگویی خیالی است میان او در قالب نویسنده و یک بومی به نام آداریو<sup>21</sup> که به فرانسه رفته است.

اما با این وجود باید گفت که در قرن هفدهم زندگی «وحشی شریف» کمتر مورد توجه و علاقه نویسندگان قرار گرفت. حتی در این دوره، که مقارن با سلطنت لویی چهاردهم بود، نوشته‌های مونتنی درباره این انسان‌ها به ورطه فراموشی افتاد. در این سده در کنار پیشرفت‌های علمی و اکتشافات بسیار، دادوستد و مناسبات تجاری نیز گسترش یافت. در نهایت، فرانسوی‌ها توانستند از نظر اقتصادی موقعیت در خور و مناسب در قاره آمریکا به دست آورند.

در قرن هجدهم هر یک از فلاسفه و نویسندگان باتوجه به زوایای گوناگون زندگی این قبایل، آرامش کامل را در دنیایی رویاوار به تصویر کشیدند: مونتسکیو<sup>22</sup> در کتاب *نامه‌های ایرانی*<sup>23</sup> رفتار جهان‌گردان ایرانی را مطالعه کرد و ولتر نیز در کتاب *ساده‌دل*<sup>24</sup>، زندگی یک بومی آمریکایی را در برتانی<sup>25</sup> بررسی نمود. اما در میان نویسندگان قرن هجدهم فرانسه ژان - ژاک روسو تصویر کامل‌تری از «وحشی شریف» ارائه داده است. وی از

<sup>19</sup>. Louis Armand de Lom D'Arce La Hontan

<sup>20</sup>. *Dialouges curieux entre l'auteur et un sauvage de bon sens*, ۱۷۰۳-۱۷۰۵.

<sup>21</sup>. Adario

۴. Charles-Louis de secondat Montesquieu

<sup>23</sup>. *Lettres persanes*, ۱۷۲۱

۶. *L'Ingénu*, ۱۷۵۹.

<sup>25</sup>. Bretagne

میان موضوعات گوناگون، «زندگی در طبیعت» را برگزید و درباره آن مطالعه کرد. به عقیده روسو، انسان هنگام تولد پاک، عاری از گناه و آلودگی و به شکلی بالقوه منزّه از بدی‌هاست. ولی همین کودک پاک و منزّه پس از رشد و ورود به جامعه این پاکی را به تدریج از دست می‌دهد. به نظر روسو این انسان‌های بدوی، ذاتاً بی‌گناه هستند و از آنجایی که در محیط سالمی رشد کرده‌اند از مشکلات و بیماری به‌دورند. روسو، مردم را به شناخت این قبایل گمنام دعوت می‌کند:

• سراسر کره زمین آکنده از ملل گوناگونی است که ممکن است ما فقط نام آنها را بدانیم و نتوانیم هیچ قضاوتی درباره آنها بکنیم. (Eterstein ۱۹۹۳: ۱۵)

به باور روسو؛ وجود تجملات در زندگی، روح انسان‌ها را به سوی فساد و تباهی سوق می‌دهد. همچنین، مالکیت سبب اختلاف می‌شود و در نهایت به نزاع میان انسان‌ها می‌انجامد. مالکیت همواره دارندگان را برای حفظ و نگهداری اموال و داشته‌هایشان، خلاف میل باطنی، به خشونت می‌کشاند. روسو تنها جامعه را مسبب این ناهنجاری‌ها می‌داند و آن را به خداوند و ذات بشر ربط نمی‌دهد. به‌طور خلاصه باید گفت تفکری که این نویسنده بزرگ به آن استناد می‌کند این است که انسان در بطن طبیعت، نیکومنش، پاک و خوشبخت است و همین فرد در تماس با جامعه، شرور، گناه‌کار و بدبخت می‌شود. در حقیقت، روسو نمادی خیالی از زندگی «وحشی شریف» به تصویر کشیده است. به عقیده وی، پیشرفت تکنولوژی به‌ویژه در اروپا، شرایط زندگی انسان را بهبود نمی‌بخشد. انسان‌هایی که در قرن هجدهم خود را متمدن می‌دانستند، از انسان نخستین که در غارها و جنگل‌ها سکونت داشت، احساس خوشبختی بیشتری نداشتند. روسو با معرفی زندگی بدویان از خوانندگان دعوت می‌کند که درباره آزادی و برابری میان آنها بیندیشند و به همین دلیل از حکومت سلطنتی و جامعه قرن هجدهم به شدت انتقاد می‌کند.

در این قرن، دیدرو فیلسوف فرانسوی دیگری است که زندگی در طبیعت را مایه آرامش و آسایش انسان می‌داند. او، خلاف روسو، طرفدار زندگی در طبیعت نبود و زندگی این قبایل را بهشت موعود نمی‌دانست و باور داشت که آنها نیز گاهی به رفتارهای خشونت‌آمیز با دیگران رو می‌آورند. از نظر او «وحشی شریف» وجود ندارد. در حقیقت، هدف دیدرو به چالش کشیدن جامعه متمدن اروپایی بود نه ارائه یک جامعه آرمانی.

در قرن نوزدهم، شاتوبریان، نمونه کامل «وحشی شریف» را در میان سرخ‌پوستان بومی آمریکا یافت. سفر شاتوبریان به قاره آمریکا به او این امکان را داد تا ملت‌های دیگری را که پیشینیان از آنها در سفرنامه‌هایشان یاد کرده بودند، از نزدیک ببیند. وی با تأثیرپذیری از نوشته‌های روسو، شیفته دیدن این انسان‌های بدوی شده بود؛ از این رو با کشتی عازم قاره آمریکا شد. اما با رسیدن به آنجا و دیدن بومیان آن منطقه تغییر عقیده داد و اظهار داشت:

• تصور نمی‌کنم که طبیعت پاک و بکر، زیباترین چیز دنیا باشد. (Chateaubriand ۱۸۰۱: préface)

وی از بخشیدن شکل آرمانی به این انسان‌ها چشم‌پوشی کرد و کوشید تا مانند شاکتاس، قهرمان داستان

آتالا<sup>26</sup>، سرخ‌پوستان را با متمدنان آشتی دهد و سرانجام در قاره آمریکا ترکیب عجیبی از انسان طبیعت‌گرا و انسان متمدن را یافت، که آتالا نمونه خوشبخت آن است. به همین دلیل او بر این است که «وحشی شریف» چیزی جز یک وهم و پندار بیش است: «سرخ‌پوستان کودکان طبیعت نیستند». او خلاف روسو شیفته این انسان‌ها نبود.

در قرن نوزدهم انسان‌ها در جست‌وجوی پیشرفت مادی و معنوی و بر این باور بودند که آینده پیش روی آنهاست نه در پشت سرشان. با ظهور این تفکر، ناقوس مرگ «وحشی شریف» به صدا درآمد.

در قرن بیستم لوی استروس<sup>27</sup> - مردم‌شناس فرانسوی - باور دارد که اندیشه «وحشی شریف» از کشور برزیل نشأت می‌گیرد. وی می‌گوید در این قرن به سبب جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های صاحبان تمدن حکمفرما، بقایایی از این انسان‌ها برجای نمانده است. این مردم‌شناس نامی در سال 1937 با این سودا خوش بود که نخستین فرد از دنیای متمدن است که توانسته در قبایل بومیان آمازون نفوذ کند، اما در پژوهش‌های مردم‌شناختی خود نوشت:

• آیا هنوز چیزی از این اشتیاق در قرن بیستم باقی مانده است؟ آنچه که از این قبایل و جوامع بدوی به جا مانده و ما می‌توانیم درباره آنها مطالعه کنیم، چیزی جز انسان‌های با چهره‌های مسخ‌شده و تنی رنجور و بیمار نیستند. این پیامد حضور تمدن و زندگی صاحبانش در میان این قبایل است. (Lévi-Strauss ۱۹۵۵: ۳۰)

#### نقش چشمگیر لوکلزیو در بازشناسی اسطوره «وحشی شریف»

باید اعتراف کرد که صحبت درباره شیوه زندگی «وحشی شریف» بدون آنکه نامی از ژان ماری گوستاو لوکلزیو<sup>28</sup> - نویسنده مشهور فرانسوی - به میان آید، بحثی ناقص است؛ چرا که وی دوباره این اسطوره را در عصر حاضر رواج داده و همواره در آثار پربار و تأثیرگذارش، منتقد غرب مادی‌گرا و به‌طور کلی تمدن پرخاشگر و خشونت‌بار شهری بوده است.

لوکلزیو با کتاب بیابان<sup>29</sup> به شهرت رسید که نخستین بار در سال 1980 منتشر شد. از دیگر آثار این نویسنده بزرگ فرانسوی می‌توان به *خلسه مادی*<sup>30</sup>، *روای مکزیک*<sup>31</sup>، *موندو و داستان‌های دیگر*<sup>32</sup>، *کاشف طلا*<sup>33</sup> و *ماهی طلایی*<sup>34</sup> اشاره کرد.

نخستین رمان لوکلزیو به نام *محاكمه*<sup>35</sup> در سال 1963 منتشر شد. او در این زمان بیست‌وسه ساله بود و کتابش با موفقیت فراوانی روبه‌رو شد و جایزه رنودو<sup>36</sup> را برایش به ارمغان آورد. برگردان انگلیسی این رمان با

<sup>26</sup>. Atala (۱۸۰۱)

<sup>27</sup>. Claude Lévi-Strauss (۱۹۰۸-۲۰۰۹)

<sup>29</sup>. *Le Désert*

<sup>31</sup>. *Le Rêve mexicain*

<sup>33</sup>. *Le Chercheur d'or*

<sup>35</sup>. *Le Procès-verbal*

۲. Jean-Marie Gustave Le Clézio

۴. *L'extase matérielle*

۶. *Mondo et autres histoires*

۸. *Le Poisson d'or*

۲. Renaudot

عنوان «بازجویی» منتشر شد.

نویسنده در این کتاب به شرح زندگی تاریک و سرگردانی‌های جوانی ناراضی و آشفته می‌پردازد. هرچند که این اثر به شیوه نگارش این داستان به سبک نوشته‌های ژان پل سارتر<sup>37</sup> - نویسنده و فیلسوف فرانسوی - و آلبرت کامو<sup>38</sup>

- روزنامه‌نگار و نویسنده فرانسوی، متولد الجزایر - نزدیک بود، اما در عین حال اثری مستقل به شمار می‌آمد. لوکلزیو ابتدا با تأثیرپذیری از نویسندگان هم‌عصرش، همچون ژرژ پرک<sup>39</sup> و میشل بوتور<sup>40</sup> بود و از اندیشه‌های میشل فوکو<sup>41</sup> هم بهره می‌جست. اما در سال‌های پایانی دهه هفتاد سبکش را تغییر داد و به نوشتن داستان‌هایی با روایتی ساده رو آورد. لوکلزیو در حال حاضر یکی از نویسندگان مهم و سرشناس فرانسه است. وی در کنار داستان‌نویسی، در دانشگاه، ادبیات فرانسه تدریس می‌کند. همچنین به عنوان یک منتقد بر آثار دیگران نیز نقد می‌نویسد. از آنجا که رساله دکترایش را با عنوان «بررسی تاریخ معاصر مکزیک» در سال 1983 ارائه داده بود، همچنان سرگرم مطالعه و تحقیق درباره آداب و رسوم گوناگون سرخ‌پوستان آمریکا در گذشته و حال است.

شیوه کار لوکلزیو در بازنمایی واقعیات زندگی، در عین سادگی، محکم و قاطع است. کلام شیوا، نثر پخته و فاخر، اندوه مأنوس و معصومانه، رنج‌های فلسفی و آلام بشری از ویژگی‌های بارز سبک این نویسنده بزرگ است. او با توصیف زندگی مردم فقیر و چادرنشینی که در طبیعت زندگی می‌کنند، به جامعه غرب و زندگی شهرنشینی متأثر از تمدن حکمفرما، آشکارا در آثار خود انتقاد می‌کند. به‌عنوان مثال در داستان بیابان، سرگذشت دختر جوانی به نام لالا را روایت می‌کند. این دختر جوان زندگی در بیابان و شهرها را یکی پس از دیگری می‌آزماید و سپس به زادگاه خود بازمی‌گردد تا در آنجا دخترش را به دنیا بیاورد. با کسب این تجارب، لالا، به گونه‌ای غریزی خرد و فرزانی نیاکان خود را بازمی‌یابد. لالا، هنگامی که در ساحل دریا راه می‌رود یا روی تخته‌سنگی آهکی می‌نشیند، احساس می‌کند که نگاهی حمایتگر او را دربر گرفته و از او مراقبت می‌کند. خواننده داستان به تدریج درمی‌یابد این حامی نامرئی، همان شیخ ماء‌العینین است که در لحظه‌لحظه زندگی لالا همراه اوست و از او حمایت می‌کند. لالا، در مارس با جوان عکاسی روبه‌رو می‌شود و به یکدیگر دل می‌بازند. در این اثر، لوکلزیو با قلمی پرتوان دو دنیای متفاوت شهر و بیابان را (که هرکدام نماد جامعه مدنی و جامعه بدوی هستند) در برابر هم قرار می‌دهد و با هنرمندی در بطن دومین به قضاوت درباره نخستین می‌پردازد. تجربه‌های فردی و شخصی لالا را هم‌چون خاطره‌ای جمعی روایت می‌کند. لوکلزیو در رمان بیابان به شکلی، «متافیزیک حسی» را مطرح کرده است. این رمان در کارنامه چهل ساله نویسنده نقطه عطف مهمی به شمار می‌آید. به همین دلیل آکادمی نوبل رمان بیابان را تصویر شگفت‌انگیزی از فرهنگ و تمدن گمشده آفریقا می‌داند

<sup>37</sup>. Jean-Paul Sartre (۱۹۸۰-۱۹۰۵)

۴. Albert Camus (۱۹۱۳-۱۹۶۰)

<sup>39</sup>. Georges Perec (۱۹۳۶-۱۹۸۲)

۶. Michel Butor (۱۹۲۶)

<sup>41</sup>. Michel Foucault (۱۹۲۶-۱۹۸۴)

و آن را در شمار بهترین آثار نویسنده‌اش برمی‌گزیند. لوکلزیو انسان را در ابتدایی‌ترین و ناب‌ترین شکل و شمایل‌اش و فارغ از قید و بند نشان می‌دهد و می‌کوشد تمام پدیده‌های هم‌عرض او را بزداید و شخصیت‌هایی بکر و پاک پدید آورد؛ شخصیت‌هایی که در یک تعامل منصفانه با طبیعت شکل می‌گیرند. انسان به تصویر درآمده‌ او بسان درختی است رویان یا رودخانه‌ای خروشان؛ یا حیوانی متکلم، با احساس، دانا و داور، با کنش و واکنشی پایدار در مقابله با طبیعت و از سویی صاحب اندیشه‌های متافیزیکی.

این نویسنده مشهور بر این باور است که تمدن جدید، در برابر انسان و همه ویژگی‌هایش قد علم کرده است. در واقع، لبه تیز تیغ انتقاد در نوشته‌هایش متوجه خشونت دنیای متمدن است. وی مدرنیسم را مقصر واقعی این مسائل می‌داند.

در رمان محاکمه، آدام پولو، قهرمان داستان، موتورسیکلت خود را به دره می‌اندازد تا دیگران تصور کنند که مرده و او بتواند با فراغ بال و دور از این تمدن حکمفرما بر زندگی شهری، اوقات خود را بگذراند. به طور کلی لوکلزیو در داستان‌هایش از شهرنشینی و زندگی مدرن بهره نمی‌گیرد. در داستان بیابان و مجموعه داستان موندو و همچنین بقیه آثارش با انسان‌هایی بکر، ساده و صمیمی روبه‌رویم و نویسنده به شکل ماهرانه‌ای برداشت‌های واقع‌گرایانه خود را از این جوامع نشان می‌دهد.

لوکلزیو آزادی و خوشبختی واقعی انسان را در دوری جستن از زندگی مدرن و تکنولوژی جدید می‌داند. از این رو بسیاری از نویسندگان و منتقدان فرانسوی او را یک «نویسنده مرتجع» یا «یک رمانتیک از مد افتاده» می‌خوانند. نباید پنداشت که لوکلزیو فردیت<sup>42</sup> را امری ذاتی و نهادینه می‌داند و آن را می‌ستاید؛ چرا که به هر حال انسان موجودی اجتماعی است که ریشه در جمع‌گرایی دارد و از این رو هرگز قادر نیست به تنهایی زندگی کند و به دور از اجتماع روزگارش را سر کند.

به همین دلیل است که لوکلزیو از اسطوره «وحشی شریف» دفاع می‌کند و باور دارد دنیای مدرن و پیشرفته‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم با صلح و آرامش بیگانه است و به جای آزادی برای انسان اسارت را به همراه آورده است.

پس از بررسی اسطوره «وحشی شریف» از دیدگاه لوکلزیو، باید گفت که دنیای این نویسنده، دنیایی لبریز از مفاهیم سادگی و پاکی است که انسان امروزی دیرزمانی است با این واژگان و مفاهیم بیگانه شده است. امروزه شمار آثار لوکلزیو به بیش از سی جلد می‌رسد که شامل رمان، داستان کوتاه و چند مقاله می‌شود. در میان آثارش دو ترجمه با موضوع اسطوره‌شناسی هند نیز به چشم می‌خورد. او از نام‌داران ادبیات معاصر فرانسه به شمار می‌آید. مکاشفه انسان در طبیعت و رمز و راز زندگی بدوی و از همه مهم‌تر دوری از تمدن و جامعه مصرفی از بن‌مایه‌های اصلی اندیشه و جهان‌بینی این نویسنده است.



## نتیجه

در این مقاله به موضوع «وحشی شریف» و چگونگی زندگی آنها اشاره کردیم. انسان‌هایی که برخلاف انسان‌های متأثر از سلطه تمدن و حکم‌فرمایی آن، در صلح و آرامش فارغ از هرگونه کینه و خصومت با یکدیگر در دل طبیعت زندگی می‌کنند. پس از آن، عقاید برخی اندیشمندان و فلاسفه فرانسه را طی قرون متوالی درباره زندگی دلنشین و پر رمز و راز این افراد بررسی کردیم. می‌توان گفت در زندگی مدرن امروز مفاهیمی چون محبت، دوستی، صمیمیت، سادگی و ... که روزگاری ارزش به‌شمار می‌آمد، جایی ندارند و در دنیای کنونی، همنشینی مدرنیته و این مفاهیم پاک و ساده در کنار هم ناهمگون می‌نمایند.

همان‌طور که دیدیم، اندیشمندان زیادی از جمله ژان ماری گوستاو لوکلزیو، نمادی خیالی از «وحشی شریف» را در آثارشان به تصویر کشیدند تا بتوانند در کنار پیشرفت‌های علمی و صنعتی و تکنولوژی به آرامش گمشده یا بهتر بگوییم از دست رفته، دست یابند و برای نیل به این مقصود با نمادی خیالی و اسطوره‌ای، جامعه مدرن و آکنده از ناهنجاری و آشفتگی را به چالش بکشانند.

## پی‌نوشت

(1) «Le mythe du bon sauvage». واژه «sauvage» از ریشه لاتین «selvaticus» به معنای «ساکن جنگل» است، اما لازم نیست این افراد «جنگل‌نشین» باشند و برخی از آنها «صحرائنشین» اند. واژه جنگلی یا بیابانی بیش از هر چیز، دور بودن از تمدن را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین می‌توان این افراد را با توجه به روحیه پاک و قلب سلیم و رفتار نیک‌شان افرادی دانست که به شهر و شهرنشینی پشت کرده‌اند. به گفته جمال میرصادقی (واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی) طرز تفکر بدوی‌گرایانه در اروپا عقیده‌ای را رایج کرد که به «وحشی شریف» معروف شد. براساس این اعتقاد، تمدن، آزادی انسان را از او گرفته و او را در بند و اسیر خود کرده است. بنابراین، انسان جامعه ابتدایی شریف‌تر و نجیب‌تر از انسان شهرنشین است که تمدن او را فاسد کرده است. در نتیجه می‌توان «le bon sauvage» را به «جنگل‌نشین نیکومنش»، «انسان ماورای تمدن حکمفرما» یا «وحشی شریف» ترجمه کرد. ما نیز در مقاله حاضر واژه اخیر را برگزیدیم.

## کتابنامه

میرصادقی، جمال. 1377. *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*. تهران: کتاب مهناز.

## منابع فرانسوی

Brée, Germaine. ۱۹۹۰. *Le Monde Fabuleux de J.M.G Le Clézio*. Paris: Editions Rodopi.

Chateaubriand, François René de. ۱۸۰۱. *Atala*. Paris: Gallimard.

Cortanze, Gérard de. ۱۹۹۹. *Le Clézio, Vérité et légends*. Paris: Editions du chêne.

- Eterstein, Claude. 1993. *Le Bon Sauvage «L'Ingénu» de Voltaire*. Paris: Gallimard.
- Evrard, Franck; et Tenet, Eric. 1994. *Mondo*, Jean-Marie Le Clézio. Paris: Bertrand-Lacoste.
- Le Clézio, Jean-Marie. 1993. *Le Procès-verbal*. Paris: Gallimard.
- \_\_\_\_\_. 1999. *Le livre des fuites*. Paris: Gallimard.
- \_\_\_\_\_. 1998. *Mondo et les autres histoires*. Paris: Gallimard.
- \_\_\_\_\_. 1980. *Désert*. Paris: Gallimard.
- Levi-Strauss, Claude. 1955. *Tristes Tropiques*. Paris: Ploncoll.
- Montaigne, Michel Eyquem de. 1580. *Les Essais cannibals*. volume 1. Paris: Edition villey-saulnier.
- Rousseau, Jean - Jacques. 1750. *Discours sur les sciences et les arts*. Paris: Gallimard.
- Ruth, Amar. 2004. *Les structures de la solitude dans l'œuvre de J.M.G Le Clézio*. Paris: Editions Publisud.
- Voltaire, François-Marie Arouet. 1757. *L'Ingénu*. Paris: Larousse.